

Critical Analysis of the Origin and Typology of Suffering in Buddhist Teachings and Its Comparative Study with the Teachings of the Holy Quran and Traditions

Ali Mohammadi Ashnani 

Associate Professor of interpretation and science of the Holy Quran, University of Holy Quran Sciences and Education, Tehran, Iran

Zahra Seyyedi 

Master of interpretation of Holy Quran, University of Holy Quran Sciences and Education, Tehran, Iran

Abstract

According to the teachings of the Buddha, every living thing suffers, and in the teachings of the Qur'an, man is created in hardship and suffering; Accordingly, typology and finding their factors are necessary to achieve the ways of exit. This research, with a descriptive-analytical and comparative method, has proved these results that in Buddhist teachings, some factors such as dependence and ignorance are introduced as causing suffering, but the causal chain and the rings of suffering include ۱. ignorance, ۲. hidden tendencies, ۳. sensitivity ۴. name and shape ۵. six domains of sensation ۶. decay (contact) ۷. sensation ۸. thirst ۹. attachment ۱۰. existence ۱۱. Birth ۱۲. Aging and death, sorrow, and despair are known to be the source of suffering. Induction in the teachings of the Qur'an and hadiths also shows the types of suffering and their origin into three types: ۱. Need and dependence ۲. Suffering arising from the disease and its origin; the type of attitude of people towards exams, ignorance of the wisdom of afflictions, and attachment to the world and ۳. Suffering due to acquisitions and their origin; system of beliefs and ideas; properties and feelings and wrong actions and behaviors. A comparative study of Buddhist teachings and revelatory teachings shows that alignment is evident in the suffering of some factors,

* Corresponding Author: dr.mohammadi.quran@gmail.com


How to Cite: Mohammadi Ashnani, A., Seyyedi, Z. (۲۰۲۱). Critical Analysis of the Origin and Typology of Suffering in Buddhist Teachings and Its Comparative Study with the Teachings of the Holy Quran and Traditions, *Journal of Seraje Monir*, ۱۲(۴۲), ۲۵-۵۸.

such as ignorance, dependence, and attachment; but it does not lead to a person being caught in reincarnation in the cycle of death and life, or Buddhist reckoning and, a person with good faith and good deeds leads to a sweet and good life and eternal happiness.


Keywords: The Holy Quran, Suffering, Species and Source of Suffering, Chain Factors, Buddha Teachings.

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در تعالیم بودا و بررسی تطبیقی آن با آموزه‌های قرآن کریم و روایات

دانشیار تفسیر و علوم قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران

علی محمدی آشنانی * 

کارشناسی ارشد تفسیر قرآن کریم، دانشگاه علوم و معارف قرآن، تهران، ایران

زهرا سادات سیدی عسگرآباد 

چکیده

بر اساس تعالیم بودا، هر موجود زنده‌ای، رنج می‌برد و در آموزه‌های قرآن نیز، انسان، در سختی و رنج، آفریده شده است؛ بر این اساس، گونه‌شناسی و یافتن عوامل آن‌ها، برای دستیابی به راه‌های برون‌رفت، لازم است. این پژوهش، با روش توصیفی تحلیلی به صورت تطبیقی، این نتایج را مدلل ساخته است که هدر تعالیم بودایی، برخی عوامل همانند وابستگی و نادانی، رنج‌آفرین، معرفی شده‌اند، ولی زنجیره علی و حلقه‌ای رنج شامل: ۱. نادانی، ۲. تمایلات پنهان، ۳. دانستگی ۴. نام و شکل ۵. شش حوزه حواس ۶. پساویدن (تماس) ۷. احساس ۸. تشنگی ۹. دلستگی ۱۰. وجود ۱۱. زائیده شدن ۱۲. پیری و مرگ، اندوه و نومیدی، منشأ رنج، دانسته شده است. استقراء در آموزه‌های قرآن و روایات نیز نشان می‌دهد گونه‌های رنج و منشأ آن‌ها به سه نوع: ۱. رنج ناشی از آفرینش و وجود و منشأ آن، فقر وجودی و نیاز و وابستگی ۲. رنج برخاسته از ابتلا و منشأ آن؛ نوع نگرش افراد به امتحانات، بی‌اطلاعی از حکمت ابتلائات و دلستگی به دنیا و ۳. رنج ناشی از اکتسابات و منشأ آن؛ نظام باورها و عقاید؛ ملکات و احساسات و اعمال و رفتار نادرست، قابل تقسیم است. بررسی مقایسه‌ای و تطبیقی تعالیم بودا و آموزه‌های وحیانی، نشانگر آن است که علی‌رغم اختلاف مبانی، همسویی در مورد رنج‌آفرینی برخی عوامل همانند نادانی، وابستگی و دلستگی مشهود است؛ ولی در قرآن، خود زندگی و تولد، حواس و... منشأ رنج شناخته نشده است، بلکه نوع وجود فقری و امکانی، مستلزم سختی‌هایی است ولی گرفتار شدن آدمی به تناسخ در چرخه مرگ و حیات، یا سمساره بودایی را در پی ندارد و آدمی با ایمان و عمل صالح، به زندگی شیرین و نیک و سعادت ابدی، ره می‌پوید.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، رنج، گونه و منشأ رنج، عوامل زنجیره‌ای، تعالیم بودا.

* نویسنده مسئول: dr.mohammadi.quran@gmail.com

بیان مسئله

برابر تعالیم بودا، هر موجود زنده‌ای رنج می‌برد؛ زیرا همه‌جا و در تمام مراحل زندگی رنج وجود دارد. تولد، رنج بسیار بزرگی است؛ زیرا هر کسی که به دنیا می‌آید، حتماً با بیماری و مرگ روبرو خواهد شد. به همین رو، در طول زندگی نیز عدم دستیابی به چیزهایی که آرزو داریم و روبرو شدن با چیزهایی که نمی‌پسندیم، ما را با درد و رنج مواجه می‌سازد. (انصاریان، ۱۳۸۸، ۸۵)، بر این اساس، تمام آموزه‌های آیین بودا براساس مسئله رنج، سامان یافته است تا با شناخت حقیقت رنج و عوامل آن، راه‌هایی از آن، هموار گردد.

براساس آموزه‌های قرآن کریم، خداوند متعال، انسان را در رنج، آفریده است؛ (لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ) (بلد، ۴). ولی قرآن کریم، زندگی انسان‌هایی که از هدایت‌های الهی، پیروی می‌کنند را از رنج ترس و اضطراب و حزن و اندوه، دور شناسانده است. (فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) (بقره، ۳۸) «آنان که از هدایت من، پیروی کنند، هرگز بیمناک و اندوهگین نخواهند شد.» رنج‌ها، گونه‌های مختلفی دارند و هر یک از آن‌ها، منشأ خاصی دارند. قرآن کریم برای رهانیدن انسان‌ها از رنج‌ها، شناساندن منشأ رنج‌ها و راه رهیدن از آن‌ها و رسیدن به سرمنزله نفس آرامش یافته و نیل به احساس رضایتمندی دنیوی و برخورداری از سعادت جاودانی اخروی را (يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي) (فجر، ۳۰-۲۷) پیش رو نهاده است.

با توجه به این که تنها مکتبی که اساس وجود و هستی انسان را، رنج مداوم شناسانده و تمام فلسفه وجودی و آموزه‌هایش را معرفت‌بخشی نسبت به عوامل رنج‌آفرین و معرفی راه برون‌رفت از آن و نجات از چنگال سمساره یا چرخه حیات و مرگ مکرر، معرفی کرده است و همین ادعای معرفت‌بخشی و روش‌آموزی‌هایی از رنج، افراد بسیاری را در ایران و جهان به‌ویژه در کشورهای اروپایی، به این مکتب، مشتاق ساخته است، سنجش و ارزیابی و نیز تحلیل انتقادی آن تعالیم بر اساس آموزه‌های وحیانی، لازم و ضروری می‌نماید؛ به تعبیر برخی از پژوهشگران: «بزرگ‌ترین دل‌مشغولی و دغدغه فکری هر انسان‌دوست ژرف‌نگری، همین علت‌جویی درد و رنج آدمیانی است که می‌آیند، رنج می‌کشند و

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۲۹

می‌روند.» (ملکیان، ۱۳۸۳، ص ۷۰) بدین رو، مسئله و پرسش اصلی این پژوهش آن است که منشأ و گونه‌های رنج در تعالیم بودا چیست؟ آیا آن عوامل با آموزه‌های وحیانی همسو است یا در آموزه‌های وحیانی، مورد نقد قرار گرفته است؟ در آن صورت، آموزه‌های قرآنی و روایی، منشأ و گونه‌های رنج را چگونه معرفی کرده‌اند؟ بدین رو پاسخ به این پرسش دغدغه جهان معاصر و وجهه تلاش این جستار علمی قرار گرفته است که به روش توصیفی همراه با تحلیل انتقادی و به صورت تطبیقی، ارائه می‌شود.

پیشینه موضوع

مورد مسئله تحقیق، نشانگر آن است که پایان نامه‌هایی همچون «جایگاه رنج در زندگی انسان بر اساس قرآن و حدیث» به قلم صادق دوستکام؛ سال ۱۳۹۴؛ دانشکده علوم حدیث قم، «رنج در اسلام و بودا» به قلم جعفر شکوهی راد سال ۱۳۹۱ دانشگاه معارف اسلامی قم، «رابطه رنج با معناداری زندگی از دیدگاه قرآن و روایات»؛ به قلم زینب یوسفی نصرآباد سفلی؛ سال ۱۳۹۳؛ دانشکده مبانی نظری اسلام، «بررسی دیدگاه بودا و ابوسعید ابوالخیر در باب ماهیت و منشأ رنج و راه‌هایی از آن»؛ به قلم زهرا جهانی زنگبار؛ سال ۱۳۹۶؛ دانشکده مدیریت و حسابداری تهران، تدوین و ارائه شده است. همچنین مقالاتی همانند «بررسی تطبیقی خاستگاه و غایت رنج در آموزه‌های بودا و عهدین، به قلم مجتبی زروانی و ندا خوشقانی، در مجله اندیشه علمی، زمستان ۱۳۹۰، «دیدگاه بودایی درباره خاستگاه رنج، به قلم مارکمجر، ترجمه خلیل قنبری، در مجله هفت آسمان، ۱۳۸۴، سال هفتم، شماره ۲۶، درد از کجا؟ رنج از کجا؟ سخنی درباره خاستگاه درد و رنج‌های بشری، به قلم مصطفی ملکیان، مجله هفت آسمان، زمستان ۱۳۸۳، سال ششم، شماره ۲۴، «رویکرد تطبیقی به مسئله خاستگاه شرور با محوریت درد و رنج از دیدگاه قرآن، تورات و انجیل»؛ به قلم سید سعید میری و محمدعلی همتی؛ مجله تحقیقات کلامی؛ تابستان ۱۳۹۷؛ شماره ۲۱، «بررسی تحول آموزش رنج از بودا تا ذن»؛ به قلم ندا خوشقانی و مجتبی زروانی؛ مجله ادیان و عرفان؛ بهار و تابستان؛ ۱۳۹۰، سال چهل و چهارم؛ شماره ۱، «رهایی از رنج در آموزه‌های قرآنی و آیین بودا»؛ به قلم محمدحسن رستمی و فیاض قرایی و علی جلالیان اکبرنیا و سید

محمدحسین موسوی؛ نشریه آموزه‌های قرآنی؛ پاییز و زمستان ۱۳۹۲؛ شماره ۱۸؛ «مکتب رنج»؛ به قلم یحیی نصرتی؛ در مجله نقد و نظر؛ سال ۱۳۸۵؛ شماره ۴۳ و ۴۴، «بررسی تطبیقی نسبت درد و رنج و معنا بخشی به زندگی از نظر مولانا و جان هیک»؛ به قلم گودرز رازانی و فرج‌الله براتی و میثم امانی؛ نشریه مطالعات ادبیات تطبیقی؛ اسفند ۱۳۹۷؛ شماره ۴۸، به رشته تحریر درآمده است ولی هیچ‌یک بر مسئله پژوهش حاضر یعنی بررسی انتقادی و تطبیقی منشأ و عوامل رنج در تعالیم بودا و آموزه‌های وحیانی قرآن کریم، تمرکز نیافته است.

انواع و عوامل پیدایش رنج در تعالیم بودا

استقراء و کنکاش در نوشته‌های بودایی، نشانگر آن است که در برخی از آثار، یک یا چندعامل به‌عنوان مهم‌ترین عامل پیدایش رنج معرفی شده‌اند ولی اغلب نوشته‌های بودایی، چرخه حیات و مرگ یا سمساره را منشأ درد و رنج دانسته و مجموعه عوامل زنجیره‌ای را، خاستگاه رنج شناسانده‌اند:

۱. مهم‌ترین عوامل پدیدآور رنج:

در برخی از تعالیم بودایی، یک یا چندعامل، با عبارت‌هایی همچون «مهم‌ترین و اصلی‌ترین»، نام‌برده و عوامل زیر را برشمرده‌اند: ۱. تشنگی، شامل الف. تشنگی کام به معنای شهوت‌طلبی، میل و آرزو و. تمنای سیری‌ناپذیری لذت‌های تازه. (ولفانگ شومان، ۱۳۷۵، ۵۷-۵۹؛ لوکا، ۱۳۶۲، ۴۳-۴۴؛ راهول، ۱۳۵۳، ۵۱-۵۳؛ آزادیان، ۱۳۹۱، ۱۴۷؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۷-۸). ب. تشنگی هستی به معنای اشتیاق به فناپذیری به حیات و زندگی کردن (دماناندا، ۱۳۸۰، ۲۵؛ اثرتر، ۱۳۲۸، ۶۰؛ الدنبرگ، ۱۳۷۳، ۲۱۰)؛ ج. تشنگی نیستی، به معنای آرزوی پیش‌نیامدن چیزهای ناخوشایند و ناگوار (لوکا، ۱۳۶۲، ۴۳-۴۴، ول فانگ شومان، ۱۳۷۵، ۵۹؛ راه آئین: دمّه پده، ۱۳۵۷، ۱۵). ۲. وابستگی شامل: الف- وابستگی به آرزوها و عادات حرص و آزآمیز ب- وابستگی به «من»، ج - چسبیدن به «مال من» (انصاریان، ۱۳۸۸، ۸۵-۸۶) ۳- نادانی که سرچشمه و عمیق‌ترین علت درد و رنج و

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...: محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۳۱

آرزوهای خودخواهانه (Tanha) است. (الدنبرگ، ۱۳۷۳، ۲۰۹؛ اوپانیشاد، ۱۳۵۶، ۷۱؛ تیواری، ۱۳۷۸، ۶۱) البته برخی متون، مقصود از جهل و نادانی، «آگاه نبودن از رنج و آشنابودن با تعلیم بود» یاندانستن چهار حقیقت مقدس و نادانی به معنای وسیع‌تر، «کوردلی» دانسته‌اند. (ولفانگ شومان، ۱۳۷۵، ۶۰؛ لوکا، ۱۳۶۲، ۲۸) -۴ تولد: در پاره‌ای از متون بودایی، منشأ رنج‌های زندگی، یعنی دردهای جسمی، ذهنی و روحی، پیری و مرگ را نتایج غیرقابل اجتناب متولدشدن دانسته‌اند. (شایگان، ۱۳۴۶، ۱۵۴؛ تیواری، ۱۳۷۸، ۶۳). ۵. دوست داشتن و نداشتن‌های لحظه‌ای که به حرص و آز شدید یا نفرت و بیزاری تبدیل می‌شود (انصاریان، ۱۳۸۸، ۸۷). ۶- لذت، میل و هوس گرایی و دل‌بستن به ثروت و افتخار، راحتی و لذت و هیجان و بی‌خیالی (آیین بودا، ۱۳۶۳، ۳۸-۴۴). ۷- آرزو و اشتیاق به امور گوناگون زندگی که به تولد دوباره می‌انجامد. (ناس، ۱۳۸۶، ۱۹۴) و افراد را به چرخه سنساره، دچار می‌سازد. ۸- آز، کینه و فریب دادن که تا این سه‌صفت از آدمی بیرون نروند، رنج پایان نمی‌یابد. (ولفانگ شومان، ۱۳۷۵، ۵۹؛ ایتی ووتکه: چنین گوید او، ۱۳۸۳، ۲۷)

بررسی انتقادی - تطبیقی عوامل تک‌حلقه‌ای بودایی

دقت در عوامل تک‌حلقه‌ای پیش گفته و مقایسه آن با عوامل زنجیره‌ای، این واقعیت را نشان می‌دهد که آن‌ها با یکدیگر از همسانی و هم‌پوشانی خاصی برخوردارند و تنها در عنوان متفاوت بوده و برخی موارد تک‌حلقه‌ای نیز تبیین و توضیح یکی از عوامل زنجیره‌ای است که به صورتی جداگانه، ذکر و بر آن تأکید بیشتری شده است.

بررسی تطبیقی این عوامل با آموزه‌های قرآن و روایات نشان می‌دهد که علی‌رغم اختلاف مبنایی تعالیم بودا با آموزه‌های قرآنی، بیشتر این عوامل ذکر شده با آموزه‌های وحیانی همسویی دارد و تنها در مورد رنج‌زا بودن وجود و تولد، همگونی مشاهده نمی‌شود؛ بدین تبیین که عامل تشنگی خواه تشنگی کام؛ شهوت‌طلبی، میل و آرزو و تمنای سیری‌ناپذیری لذت‌های تازه یا تشنگی هستی و اشتیاق وافر و افراط‌گونه به حیات و زندگی یا تشنگی نیستی و آرزوی پیش‌نیامدن چیزهای ناخوشایند و ناگوار، زیرا در قرآن و روایات، این گونه تشنگی‌ها، مطرح و مورد نکوهش قرار گرفته است و پاک‌سازی درون

از صفات و ویژگی‌های ناپسند (طه، ۷۶، فاطر، ۱۸، اعلی، ۱۸، لیل، ۱۴) بازداشتن نفس ازهوی و هوس (نازعات، ۴۰) عدم دلبستگی به دنیا و متاع قلیل آن (آل عمران، ۱۴، نساء، ۷۷) و عدم اشتیاق ورزی به بهره‌های دنیوی (نساء، ۹۴، ۱۳۴) بر حذر بودن از فریبندگی دنیا (آل عمران، ۱۸۵، انعام، ۱۶۵، اعراف، ۵۱) و شناساندن حقیقت زندگی دنیا به عنوان بازی و سرگرمی (انعام، ۳۲) و ضرورت خشنود و راضی نبودن و نابسندگی به زندگی دنیا (توبه، ۳۸، یونس، ۷) و لزوم آخرت‌گرایی و اراده آن (آل عمران، ۱۵۲) تأکید نموده و آن را زندگی واقعی معرفی فرموده است. (عنکبوت، ۶۴) چنان‌که وابستگی به آرزوه‌ها را موجب غفلت دانسته (حجر، ۳) و به دوری و مهاجرت گزیدن از همه عادات منفی و ناپاکی‌ها، فرا خوانده است. (وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ) (مدثر، ۵) و وابستگی به «من» را مورد نقد و نکوهش قرار داده (آل عمران، ۱۵۴) و چسبیدن به «مال من» را ناسودمند (آل عمران، ۱۰، ۱۴، مجادله، ۱۷) و انفاق آن را موجب رهیدن از ترس و غم، شناسانده است. (بقره، ۲۷۴) همچنین قرآن کریم، نادانی و جهل را برننافته، آن را عامل تکذیب حقیقت (احقاف، ۲۲)، شرک و بت‌پرستی (اعراف، ۱۳۸) و ابتلا به فساد و تباهی (نمل، ۵۵) دانسته است و بخل، لذت‌خواهی و هوس‌گرایی را عامل سقوط معرفی فرموده است. (لیل، ۸-۱۰)؛ اما چنان‌که خواهد آمد وجود و تولد را عامل رنج نشناخته است.

ذکر این نکته ضروری است که مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی قرآن کریم در تحلیل عوامل و منشأ رنج با مبانی پیش‌گفته تعالیم بودا، تفاوتی اساسی دارد؛ زیرا دیدگاه مکتب بشری بودا، تحلیلی مادی‌گرا و انسان‌شناسی و در نتیجه معنویت‌پیشهادی او، انسان‌مدارانه است در حالی که آموزه‌های قرآن بر مبانی هستی‌شناسی الهی و انسان‌شناسی و معنویت‌خدامدارانه، ارائه شده است.

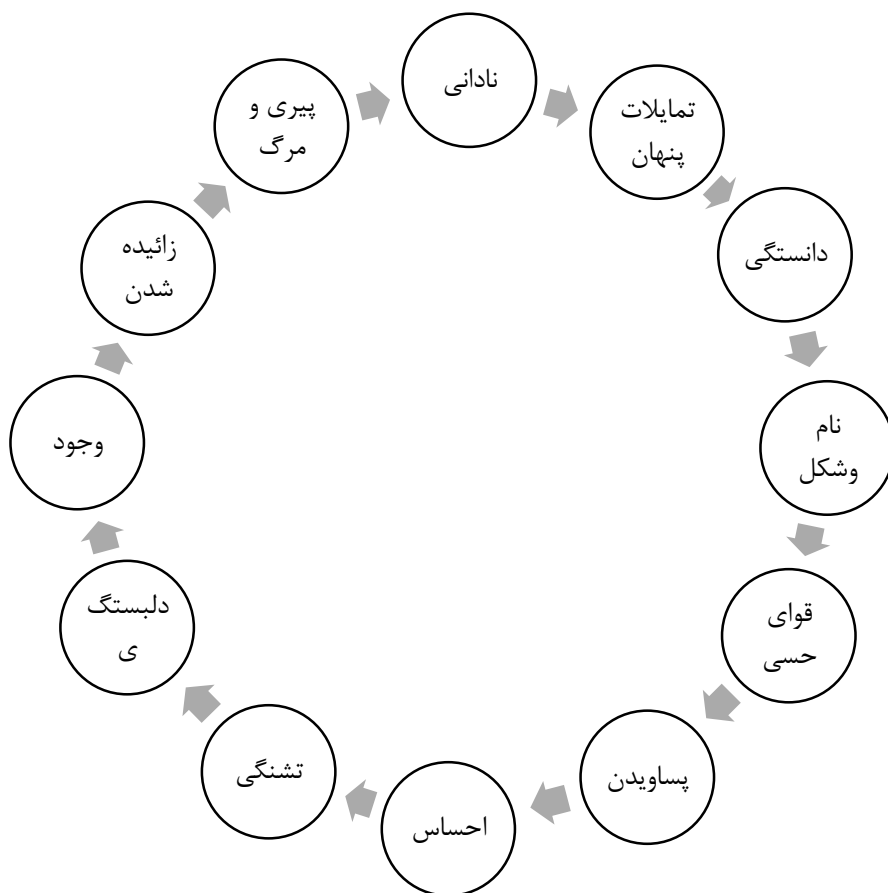
۲. عوامل زنجیره‌ای

اغلب متون بودایی و بوداپژوهی، مجموعه‌ای از عوامل را به صورت زنجیره‌ای به عنوان منشأ رنج شناسانده‌اند. (راه حق: دمآپادا (متن بودایی)، ۱۳۸۰، ۲۱، تیواری، ۱۳۷۸، ۵۵؛ شایگان، ۱۳۴۶، ۱۵۵) این زنجیره بر اساس مهم‌ترین اصل بودایی، یعنی «قانون تسیب» است، به این

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد| ۳۳

معنا که هر حلقه، علتی پیشینی دارد که معلول آن حلقه است و دربروز خود، به آن وابسته است؛ بنابراین موجوداتی که در دوره‌های مختلف زمان، از اسباب قبلی پیدا شده‌اند را می‌توان به زنجیره یا حلقه (Nidana) تشبیه کرد که به علت وجود قبلی، عامل بعدی به وجود می‌آید و در صورت عدم وجود این، آن بعدی به وجود نمی‌آید. (اوپانیشاد، ۱۳۵۶، ۶۴_۶۵؛ رضایی، ۱۳۸۶، ۲۸۲)

زنجیره علی به دوازده حلقه تقسیم شده است که از کنار هم چیدن آن‌ها، دایره‌ای به وجود می‌آید که دایره تولدِ مشروط، دایره وجود، خاستگاه به هم بسته، (Piticca-Samuppada؛ و سلسله همبسته زایش (Patīccasamuppada؛ و دوازده دوره تسبیب، نامیده شده است. این زنجیره علی، عبارتند از: ۱. نادانی ۲. تمایلات پنهان ۳. دانستگی ۴. نام و شکل ۵. شش حوزه حواس ۶. پساویدن یا تماس ۷. احساس ۸. تشنگی ۹. دلبستگی ۱۰. وجود ۱۱. زائیده شدن ۱۲. پیری و مرگ، اندوه و سوگ، غم و نومیدی (راه حق: دمآپادا، ۱۳۸۰، ۲۱؛ لوکا، ۱۳۶۲، ۴۴-۴۵؛ راهول، ۱۳۵۳، ۵۳؛ راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷)



شکل ۱. زنجیره علی به دوازده حلقه آن

گفتنی است اگرچه برخی، نادانی را آغاز زنجیره علی دانسته‌اند ولی عده‌ای بر این عقیده‌اند که این زنجیره ابتدا و انتها ندارد. (اوپانیساد، ۱۳۵۶، ۶۵) اینک به صورت خلاصه، به معنای هر یک از این دوازده حلقه اشاره خواهد شد:

۱-۲. ندانستن

نادانی و ندانستن عاملی است که زنجیره علی را به وجود می‌آورد؛ این نادانی، به معنای ندانستن چهار حقیقت عالی است که عبارت‌اند از: ماهیت رنج، خاستگاه رنج، رهایی از

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۳۵

رنج و راه‌هایی از رنج. (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷؛ شایگان، ۱۳۴۶، ۱۵۷). برابر منابع دیگر، ندانستن یعنی بینش نداشتن و از شناسائی عالی بی‌بهره بودن. نادانی بر دو قسم است: ۱. بی‌دانشی یا کوری ۲. پندار و خودفریبی که از دانش دروغین به وجود آمده است. (پاشایی، ۱۳۷۵، ۱۷)

۲-۲. تمایلات پنهان

از ندانستن، تمایلات پنهان به وجود می‌آید؛ از این تمایلات، با نام‌های کردارسازها یا سنکارا و تأثیرات ذهنی ناشی از اعمال گذشته یاد شده است کردارسازها، به معنای اعمال ارادی است و مراد از تأثیرات ذهنی ناشی از اعمال گذشته این است که موجودات، محصول آن اعمالی هستند که در زندگی‌های پیشین، مرتکب شده‌اند. (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷، شایگان، ۱۳۴۶، ۱۵۸؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۱۸)

۲-۳. دانستگی (Vijnana)

از تمایلات پنهان، دانستگی به وجود می‌آید. دانستگی به دو صورت معنا شده است: ۱. دانستگی به دوباره زائیده شدن (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷) ۲. دانستن امور به وسیله چشم، گوش، بینی، زبان، تن و منش. (پاشایی، ۱۳۷۵، ۱۸-۱۹)

۲-۴. پدیدار شدن نام و شکل

حلقه چهارم این زنجیره، پدیداری نام و شکل است که معلول حلقه دانستگی است. مراد از نام، سه بخش از پنج بخش هستی‌ساز یعنی احساس، ادراک و حالات جان یا تأثیرات ذهن است و مراد از حالات جان، حالات روانی است و مراد از شکل، چهارعنصر؛ یعنی آب، باد، خاک و آتش است. (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷؛ شایگان، ۱۳۴۶، ۱۶۲) برخی درباره ارتباط دانستگی با نام و شکل، چنین گفته‌اند: دانستگی و نام و شکل همچون دو دسته‌ی نی به هم بسته شده‌اند. اگر نام و شکل نباشند، دانستگی در کار نیست. اگر دانستگی نباشد، نام و شکل وجود ندارد. (پاشایی، ۱۳۷۵، ۱۹)

۲-۵. شش حوزه قوای حسی

حلقه پنجم زنجیره، «شش حوزه» است که از دل نام و شکل به وجود می‌آید؛ زیرا نام و شکل برای این که بتوانند به فعالیت خود ادامه دهند، شش حوزه؛ یعنی پنج حس بویایی، بینایی، شنوایی، چشایی و لامسه و ذهن یا به تعبیر دیگر حوزه‌های چشم، گوش، بینی، زبان تن و منش را به وجود می‌آورند. موضوعات حواس شامل: شکل‌ها، صداها، بوها، مزه‌ها، چیزهای لمس‌شدنی و چیزهای شناختنی است. (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۰، شایگان، ۱۳۴۶، ۱۶۳)

۲-۶. پساویدن یا تماس

از برخورد یکی از حواس با موضوع آن، پساویدن یا تماس، همراه با دانستگی وابسته به آن، به وجود می‌آید. (پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۰) بنابراین پساویدن، تماس سه عنصر [حواس، موضوع آن حس، دانستگی مربوط به آن حس] با هم است. همانند این که دو قوچ شاخ‌های خود را به هم بکوبند. یک قوچ چشم است و قوچ دیگر شکل و برخورد میان این دو، پساویدن چشم است. از این رو شش قسم پساویدن وجود دارد: پساویدن‌های چشم، گوش، بینی، زبان، تن و منش. (؛ راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۶-۲۷؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۰)

۲-۷. احساس

هر احساس، از پساویدن و تماس هر یک از حواس با موضوعات آن‌ها به وجود می‌آید؛ مثلاً از پساویدن چشم با شکل، همراه با دانستگی، احساس بینایی دست می‌دهد. بدین ترتیب به دلیل وجود شش حس، شش احساس نیز وجود دارد: احساس بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی، لامسه و شناسایی، البته مقصود از این احساس، حالات متضادی است که ما را به سوی خوشی و تلخی و کامیابی و ناکامی و ... می‌کشاند. (شایگان، ۱۳۴۶، ۱۶۴). (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷، پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۰)

۲-۸. تشنگی

از احساس، تشنگی به معنای طلب و خواست به وجود می‌آید. تشنگی به دو صورت تقسیم شده است. ۱. تشنگی را گاه به سه نوع اصلی: تشنگی کام، هستی و نیستی تقسیم نموده‌اند (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷) ۲. تشنگی گاه برحسب این که یکی از مراکز حسی به خصوص، موجب پیدایش آن شده باشد، آن را به شش قسم: تشنگی‌های چشم، گوش، بینی، زبان، تن و منش تقسیم میکنند. به همین دلیل معتقدند که شش تشنگی وجود دارد. (شایگان، ۱۳۴۶، ۱۶۴؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۰) لازم به ذکر است ندانستن، علت رنج گذشته وجود است و شرط و علت اکنون به شمار می‌آید و تشنگی، علت کنونی است و شرط و علت آینده. (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷)

۲-۹. دل بستگی

دل بستگی، از تشنگی، به وجود می‌آید. دل بستگی، تشنگی بیش از اندازه است؛ تشنگی آرزو یا تمایل به داشتن چیزی است که هنوز به دست نیامده است. همانند دست دزدی می‌ماند که در تاریکی، در جستجوی چیزی است، اما دل بستگی، خود دزدی و به دست آوردن آن چیز است. دل بستگی چهار نوع است: ۱. دل بستگی به کام‌ها ۲. دل بستگی به نظرهای نادرست: که امید آزادی را، در ما ناامید می‌کنند؛ همانند نظرهای مادی و یا نظرهایی که هرگونه ارزش اخلاقی را نفی می‌کنند ۳. دل بستگی به آداب و آئین‌ها: آداب و رسوم ۴. دل بستگی به عقیده درباره خود: دل بستگی به «من» و «منم»: (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۰-۲۱)

۲-۱۰. وجود

دل بستگی، شرط وجود است. وجود دو جنبه دارد: یک جنبه، کننده یعنی «فعال» است و وجود کردار خوانده می‌شود که در واقع همان تمایلات پنهان است و کرمه را می‌سازند و دیگری جنبه پذیرنده "شدن" است؛ یعنی وجود مجدد یافتن است که در زنجیره علی، بسیار مؤثر است. (راه آیین: دمّه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۱)

۲.۱۱. زائیده شدن

وقتی که موجودی از خاستگاهی پیدا شود و احساس کند و به وجود بیاید، شش حوزه حواس او جمع شوند؛ یعنی از کردار شایسته و ناشایسته پیشین خود، با ویژگی‌های جسم و روانی خاص، وجود مجدد پیدا کند، این فرآیند را زائیده شدن می‌نامند. (راه آیین: دمه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۱)

۲.۱۲. پیری و مرگ

وجودی که متولد می‌شود، طبعاً فرسوده شده و روزی دستخوش مرگ می‌گردد و از بین می‌رود. پیری نتیجه زائیده شدن و مرگ هم نتیجه پیری است. پس پیری و مرگ، حتمی است و به دنبال آن‌ها، رنج و اندوه نیز در کار خواهد بود. (راه آیین: دمه پده یا سخنان بودا، ۱۳۵۷، ۲۴-۲۷؛ پاشایی، ۱۳۷۵، ۲۲)

بررسی انتقادی - تطبیقی عوامل زنجیره‌ای بودایی

اگرچه می‌توان رابطه بین برخی از عوامل پیش گفته را به صورت تسبیبی و علت و معلولی پذیرفت و به طور مثال، نادانی را عامل تمایلات پنهان و دلبستگی قلمداد کرد، اما بدون تردید نمی‌توان همه موارد مذکور در این زنجیره را به عنوان عامل رنج پذیرفت چنان که نمی‌توان ترتب و چینش علی این زنجیره را به صورت ۱. نادانی ۲. تمایلات پنهان ۳. دانستگی ۴. نام و شکل ۵. شش حوزه حواس ۶. پساویدن یا تماس ۷. احساس ۸. تشنگی ۹. دلبستگی ۱۰. وجود ۱۱. زائیده شدن ۱۲. پیری و مرگ، اندوه و سوگ، غم و نومیدی، قبول کرد؛ زیرا برقرار نمودن رابطه علی بین موارد ۴ الی ۹ بدون تکلف و تأویل، ممکن نیست. بعلاوه سبب بودن موارد مذکور پیش از مورد دهم برای وجود و زائیده شدن، امری خلاف واقع است زیرا آن موارد پیشین خود و متفرع بر وجود آدمی است. شاید به همین دلیل است که برخی از متون اصیل بودایی، آغازین بودن عامل نادانی را برنتافته و این زنجیره را بدون آغاز و پایان، معرفی کرده‌اند. (اوپانیساد، ۱۳۵۶، ۶۵) ولی اغلب متون، آغاز زنجیره را از نادانی دانسته‌اند.

اما از نظر سنجه تطبیقی، چنان‌که در تحلیل عوامل مهم تک‌حلقه‌ای ذکر شد، تعالیم بودا با آموزه‌های قرآن در مواردی همچون رنج‌زا بودن نادانی، تشنگی و دل‌بستگی، از همسویی و نه تطابق، برخوردار است، ولی در بقیه موارد، همگون و هماهنگ نیست و در پاره‌ای از آن موارد، بینش و نوع نگاه بودا، موردنقد و رد قرآن کریم، واقع شده است؛ مثلاً احساس و وجود حواسی همانند بینایی، شنوایی و شناسایی در انسان، از منظر قرآن، نعمتی الهی است که برخوردار از آن‌ها، نه تنها عامل رنج نیست؛ بلکه از رنج انسان می‌کاهد و دانایی ولذت‌هایی را به ارمغان می‌آورد. (نحل، ۷۸، مؤمنون، ۷۸، سجده، ۹، ملک، ۲۳ اسراء، ۳۶) از دیدگاه قرآن، بساویدن و رابطه، به‌ویژه در صورت رعایت حدود مطلوب و عامل لذت دانسته شده نه عامل رنج و به برقراری آن در چهارچوب نظام خانواده (روم، ۲۱) و با افراد جامعه امر شده است؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»، (آل‌عمران، ۲۰۰) علامه طباطبائی مقصود از واژه رَابِطُوا در آیه را امر به برقراری ارتباط اجتماعی دانسته است. (طباطبائی، ۴، ۸۷-۱۲۰) همچنین وجود و زائیده شدن، چنان‌که خواهد آمد، نه تنها نمی‌تواند به خودی خود، عامل رنج باشد؛ بلکه قرآن گاه آن رابا واژه «سلام» (مریم، ۱۵) که مفید سلامت و ایمنی است و گاه با تعبیر «مبارک» و سرشاری از برکت همراه ساخته است، (مریم، ۳۱) بعلاوه، دانستگی به عنوان علم از جهان به وسیله حواس، از دیدگاه قرآن، فضیلتی است (زمر، ۹) که عمل بر اساس آن، موجب سعادت و رهایی از رنج خواری دنیا و عذاب آخرت می‌گردد ولی دانستگی به معنای «علم به زائیده شدن و تناسخ» که برخی از متون بوداپژوهی ذکر کرده بودند، چون تناسخ امری موهوم است و اصلاً تحقق خارجی ندارد تا علمی بدان صورت پذیرد، اساساً از مصادیق علم نیست؛ چون بر اساس آموزه‌های قرآن، انسان با مرگ، تناسخ نمی‌یابد؛ بلکه در نشأت و جهان ناشناخته دیگری، وجود می‌یابد «وَنُنشِئُكُمْ فِي مَا لَمْ تَعْلَمُونَ»، (واقع، ۶۱) که برزخ نامیده می‌شود. «وَمَنْ وَّرَاهُمْ بَرَزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ»، (مؤمنون، ۱۰۰)، اما ولادت یافتگی با مرگ جسمانی، به معنای صحیح آن یعنی وجود یافتن در عالم برزخ و سپس در جهان آخرت (عنکبوت، ۲۰)، مورد تأیید آموزه‌های قرآن کریم است.

در مورد دو عامل پیری و مرگ که از عوامل رنج‌آفرین معرفی شده‌اند، در آموزه‌های قرآن کریم، گرچه فرسودگی و شکستگی حاصل از عمر طولانی، به‌عنوان عارضه کهن‌سالی مورد تأیید قرار گرفته (یس، ۶۸) و مرگ، مصیبت شناسانده شده (مائده، ۱۰۶) که می‌تواند به دلالت التزامی، رنج تن را به‌همراه داشته باشد، ولی بدان رو که رهایی نفس و روح و انتقال به عوالم بالاتر را به‌دنبال دارد، عامل سلامتی «وَالسَّلَامُ عَلٰی یَوْمٍ وُلِدْتُ وَیَوْمَ أَمُوتُ وَیَوْمَ أُبْعَثُ حَیًّا»، (مریم، ۳۳) و در روایات، سبب رهایی از مشکلات دنیا، معرفی شده است. (فقد استرحت من همّ الدنيا وغمّها وشدائدها، وصرت إلى رَوْح وریحان) (محدثی، ۱۳۸۶، ۲۷)،

بدین‌سان عوامل زنجیره‌ای رنج در تعالیم بودا افزون بر تفاوت مبنایی، تنها در ۴ مورد با آموزه‌های قرآن تا حدودی همسویی دارد، اما در بقیه موارد، با حقایق قرآنی، اختلاف، تفاوت و در پاره‌ای موارد با آن‌ها، تضاد دارد.

۳. منشأ رنج در آموزه‌های قرآن

بر اساس کنکاش نگارندگان این پژوهش در قرآن، می‌توان رنج‌ها را از نظر منشأ، به سه دسته گوناگون؛ ۱. رنج‌های ناشی از آفرینش و وجود، ۲. رنج‌های ناشی از ابتلائات و ۳. رنج‌های ناشی از اکتسابات نادرست، تقسیم‌بندی نمود که در ذیل به شرح آن پرداخته می‌شود:

۳-۱. منشأ رنج‌های ناشی از آفرینش و وجود

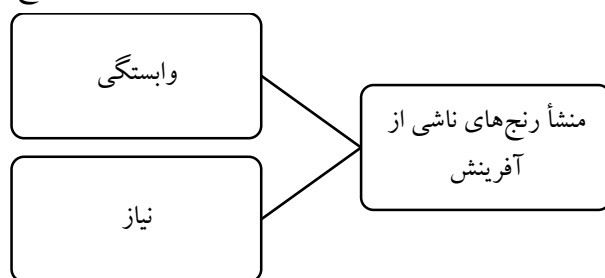
یکی از انواع رنج، رنج ناشی از آفرینش و وجود است. قرآن کریم به‌صراحت، آفرینش انسان را در سختی و رنج، شناسانده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»؛ «ما انسان را در سختی و رنج، آفریده‌ایم.» (بلد، ۴) واژه کبد، در اصل دلالت بر شدت و قوت در چیزی (ابن فارس، ۱۳۸۷، ۸۴۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ۳، ۱۳۵؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ق، ۳، ۳۷۴) و به معنای تحمل مشقت و انجام عمل با رنج و سختی می‌باشد. (مصطفوی، ۱۳۶۰، ۱۴؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۶، ۷۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق، ۲۹۶؛ مراغی، بی‌تا، ۱، ۱۰۹۲).

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۴۱

از آنجا که وجود و هستی، همان بودن، هستن و داشتن و علت غناست، نمی‌تواند عامل رنج باشد؛ بلکه عامل شادمانی و رفع همه رنج‌ها است، در تبیین و تدقیق این گونه از رنج، باید گفت که وجود؛ از آن جهت که وجود است، عامل رنج نیست؛ بلکه گونه خاصی از وجود یعنی وجود فقری، یا فقر وجودی، عامل رنج است. بر اساس سخن اندیشمندان، «وجود بر سه نوع است: واجب‌الوجود، ممکن‌الوجود و ممتنع‌الوجود؛ واجب‌الوجود، ذاتی است که از ناحیه غیر و معلول غیر نیست. ممتنع‌الوجود ذاتی است که به‌خودی‌خود و قطع نظر از علت خارجی معدوم است. ممکن‌الوجود ذاتی است که از ناحیه غیر و معلول غیر است.» (مطهری، ۱۳۸۶، ۳/۶۶). بر این اساس، «همه اشیاء عالم، مانند: انسان، حیوان، درخت، آب و... که به حکم یک سلسله علل پدید می‌آیند و سپس معدوم می‌گردند، ممکن‌الوجودند و هر ممکن‌الوجودی، به واسطه علتش، واجب‌الوجود می‌شود، اما واجب‌الوجود بالغیر نه بالذات؛ یعنی هر ممکن‌الوجود، اگر مجموع علل و شرایطش موجود شود، حتماً موجود می‌شود و واجب‌الوجود بالغیر می‌گردد. (مطهری، ۱۳۶۹، ۱، ۲۲۵) در این تقسیم‌بندی، بدون شک هستی بالذات، هرگز موجب رنج نیست، بلکه هستی در آن مرتبه، عین شادی و غناست. ممتنع‌الوجود هم که پا به هستی نمی‌گذارد؛ پس تنها «وجود امکانی» است که چون عین فقر و نیاز و وابستگی است، موجب رنج و ناراحتی می‌شود؛ بنابراین هر واجب‌الوجودی، چون بی‌نیاز از غیراست، غنی مطلق است و رنجی ندارد، ولی هر ممکن‌الوجودی، چون وابسته و نیازمند به علت است، همین نیازمندی او، موجب رنج و ناراحتی‌اش را فراهم می‌کند.

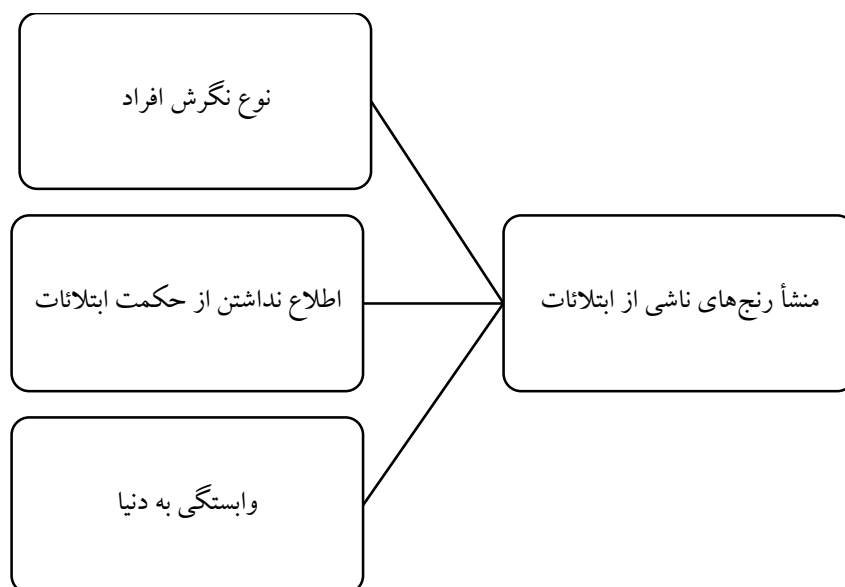
براین اساس است که انسان نیز به‌عنوان یک ممکن‌الوجود، به‌خاطر نوع هستی امکانی خود، به درد و رنج دچار گردیده است. لذا منشأ رنج آفرینشی، وابستگی و نیازمندی بشر؛ بلکه عین فقر و نیازمند بودن وی است که در قرآن، بدان تصریح شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ»، (فاطر، ۱۵)؛ «ای مردم! شما فقیر و نیازمند به خداوند هستید و خداوند، بی‌نیاز ستودنی است.» اگر با دقت افزون‌تری به معارف قرآنی بنگریم، از آنجا که انسان عین فقر به خداوند رحمان و رحیمی است که رحمت و واسع‌اش

بدون منت، همه هستی را فراگرفته است: (وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ) (اعراف، ۱۵۶) «و رحمت من همه موجودات را فراگرفته است.» ادراک این وجود فقری نسبت به خداوند، بهجت آفرین است؛ آنچه رنج آور است، ادراک سراپا نیاز بودن از یک سو و توهم نیازمندی و وابستگی به دیگران و خیال نادرست این که امور زندگی شخصی او به دست افراد دیگر است، موجب رنج است. به همین جهت قرآن، به طور مکرر به انسان ها گوشزد می کند که همه امور جهان، در دست خداوند متعال است و بس: (و إِلَيْهِ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ) (هود، ۱۲۳؛ نیز: حدید، ۵؛ شوری، ۵۳؛ فاطر، ۴؛ لقمان، ۲۲) «مرجع و بازگشت همه امور به سوی اوست» و دیگران، مالک هیچ سود و زیانی برای خودشان (اعراف، ۱۸۸؛ یونس، ۴۹؛ فرقان، ۳) و شما نیستند. (مائده، ۷۶؛ رعد، ۱۶؛ طه، ۸۹؛ فتح، ۱۱؛ سبأ، ۴۲؛



۲-۳. منشأ رنج های برخاسته از ابتلائات

نوع دوم رنج در آموزه های قرآن، رنج های ناشی از ابتلائات است؛ واقعیت این است که امتحانات الهی، سختی و زحمت دارند، ولی چون از سوی خداوند و به منظور ارتقای جایگاه انسان، صورت می پذیرد، (بقره، ۱۲۴) رنج آفرین نیستند؛ بلکه می تواند نشاط بیافریند و شادی زا باشند. (بقره، ۱۵۵-۱۵۷) به فرموده علامه جوادی: «مواجهه نادرست با آزمون های خداوند؛ یعنی ۱. نوع نگرش افراد به امتحانات ۲. اطلاع نداشتن از حکمت ابتلائات ۳. وابستگی افراد به دنیا و لوازم دنیوی، موجب رنج و ناراحتی در افراد می شود. (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ۳۷۳/۲۶) براین اساس، نداشتن نگاه ابتلایی و آزمونی به حوادث، عدم اطلاع از حکمت الهی امور، وابستگی و تعلق قلبی و فقدان روحیه تسلیم و توکل و رضایت به مقدرات الهی، رنج و ناراحتی؛ بلکه اعتراض، به وجود می آورد.



۳-۳. منشأ رنج‌های اکتسابی

گونه سوم رنج در آموزه‌های دینی، رنج‌های برخاسته از افکار، احساسات، گفتار و رفتار خود ما است؛ در زندگی انسان‌ها، برخی از حوادث و مشکلات، بلاء و مصیبت‌ها به خاطر افکار، احساسات، اعمال و رفتار نادرست خود انسان به وجود می‌آید که از آن به «رنج‌های اکتسابی» یاد می‌شود. قرآن کریم، به صراحت همه مصیبت و گرفتاری‌ها را نتیجه عملکرد خود انسان شناسانده است: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ»، (شوری، ۳۰) «آنچه از مصیبت‌ها به شما می‌رسد، پس به علت دست‌آوردهای شما است.» منشأ این رنج‌ها آن است که خداوند به انسان، هم تقوا را الهام فرموده است: «فَالْهَمَّهُمْ أَجُورَهُمْ وَتَقْوَاهُمْ» (شمس، ۸)، ولی انسان‌ها، با پیروی از هواهای نفسانی، (نساء، ۱۳۵؛ ص، ۲۶) یا غلبه شقاوت، (مؤمنون، ۱۰۶) برای روح و روان خود، رنج و مشقت دنیوی و عذاب اخروی می‌سازد. (بقره، ۱۱۴) استقرار گسترده نگارندگان این پژوهش روشن ساخت که اکتسابات رنج‌آفرین، در سه حوزه اصلی قابل دسته‌بندی و تبیین است که بدان‌ها پرداخته خواهد شد:

۱-۳-۳. نظام باورها و عقاید نادرست

مهم‌ترین منشأ رنج‌های اکتسابی، برخاسته از نظام باورها و عقاید نادرست است که ناشی از عوامل ذیل است:

الف. جهل و نادانی: یکی از عوامل رنج‌های ناشی از نظام باورها و اعتقادات نادرست، جهل و نادانی است. جهل ضد علم (سجادی، ۱۳۷۳، ۹۸۶) یعنی ندانستن، نادان بودن است. (معین، ۲/۲۳۶) جهل دو نوع است: جهل مرکب و جهل بسیط؛ جهل مرکب آن است که شخص نمی‌داند اما می‌پندارد که می‌داند و جهل بسیط آن است که شخص نمی‌داند و اعتقاد به دانستن خود هم ندارد، یعنی می‌داند که نمی‌داند. (عمید، ۱۳۷۴، ۱/۷۱۷). برابر گفته برخی مفسران: «قرآن نیز به این نکته اشاره کرده و دلیل برخی اعمال زشت و ناپسند را، جهل و نادانی می‌داند: «...الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ...» (نساء، ۱۷)؛ «...مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ...» (انعام، ۵۴)، بنابراین بالا رفتن سطح معرفت جامعه، به ساختار سالم اخلاقی آن کمک می‌کند. افراد مبتلا به جهل، نسبت به عالمان آگاه به معارف الهی، آلودگی بیشتری دارند اگرچه، استثنایی وجود دارد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۱/۱۷۶) به تصریح قرآن کریم، عدم احاطه علمی، گاه موجب کفر و رنج ابدی می‌شود: «بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعَلْمِهِ وَّلَمَّا يَاْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ»؛ «بلکه چیزی را تکذیب نمودند که به دانش آن، احاطه نداشتند.» (یونس، ۳۹).

ب. اطاعت‌های کورکورانه: یکی دیگر از عوامل رنج‌های ناشی از عقاید و نظام باورها، اطاعت کورکورانه از نیاکان و پیشینیان است؛ چنان‌که در قرآن نیز می‌فرماید: «وَإِذِاقِيلُهُمَا تَبِعُوا مَا أَنْزَلْنَا لِلْهَاقُلِ الْوَالْتِبِعُ مَا آلفَيْنَا عَلَيْهِمَا بَاءً...» (بقره، ۱۷۰)؛ (و چون به آن‌ها (به مشرکین و کفار) گفته شود: از آنچه خدا فرو فرستاده پیروی کنید، گویند: (نه)، بلکه از آنچه پدرانمان را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم...) به گفته برخی از مفسران: «مشرکین، هیچ دلیل عقلی و نقلی بر حقانیت بت‌پرستی خود ندارند، بلکه خلاصه دلیلشان تنها تقلید کورکورانه از پدرانشان است.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۸/۱۳۷) این عامل، عادت دیرینه باطل‌گرایان گذشته

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۴۵

بوده و امروز نیز ادامه دارد: «وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُّقْتَدُونَ»، (زخرف، ۲۳)؛ «و همین‌گونه، مادرهیچ مجتمعی پیش از تو (نیز، پیامبر) بیم‌دهنده‌ای نفرستادیم جز این که مردمان خوش‌گذران آن‌ها گفتند: ما پدرانمان را بر آیینی یافته‌ایم و ما بر پی آن‌ها رهرویم.» بنابراین اطاعت کورکورانه موجب لغزش در اعتقادات می‌شود و موجبات رنج دنیوی و اخروی را برای آدمی فراهم می‌کند.

ج. هوی و هوس: یکی دیگر از عوامل رنج‌های ناشی از نظام باورهای نادرست، پیروی از هوی و هوس است که همواره کافران و مشرکان را به ورطه هلاکت سوق داده است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ...» (فرقان/۴۳)؛ (آیادیدی کسی را که خدای خود را هوای خود گرفته... به گفته مفسران، «در عبارت «اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» از آنجا که کلمه إِلَهَهُ مقدم بر هَوَاهُ آمده، بیانگر این است که چنین کسی می‌داند که اله و خدایی دارد که باید او را پرستد - و او خدای سبحان است - ولیکن به جای خدای سبحان، هوای خود را می‌پرستد و آگاهانه به خدای سبحان کافر می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۸ / ۲۶۳) بدین سان این‌گونه افراد نه از روی جهل، بلکه آگاهانه و به جهت پیروی از هوی و هوس، کفر و شرک را در پیش می‌گیرند. به همین جهت، قرآن این‌گونه افراد را مورد عتاب قرار داده، می‌فرماید: «وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»، (قصص، ۵۰)؛ «و چه کسی گمراه‌تر است از آن که بدون هدایت خداوند از هوای (نفس) خود پیروی کند؟! حَقًّا که خداوند گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.»

د. عناد و لجاجت: عامل دیگری که موجب رنج‌های ناشی از نظام باورهای نادرست می‌شود، عناد و لجاجت و رزی با حق است. قرآن کریم، پاره‌ای از کفرورزی‌ها را همراه با یقین قلبی معرفی فرموده است «وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا»، (نمل، ۱۴) همچنین ایمان نیاوردن به آخرت را ناشی از سرکشی (فرقان، ۲۱) تجاوز (بقره، ۶۱) عناد و دشمنی (ابراهیم، ۱۵ مدثر، ۱۶) دانسته و درباره این دسته از افراد می‌فرماید: «كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا لِأَنَّ الرُّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (آل عمران، ۸۶)؛ (چگونه خداوند هدایت کند گروهی را که پس از آنکه ایمان آوردند و شهادت دادند که فرستاده ماحق است و دلایل روشنی بر آن‌ها آمد، کفر ورزیدند؟! و خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی‌کند.) به گفته مفسران: «وجود استفهام انکاری، هدایت شدن قومی که بعد از ایمان، کافر شدند را بعید جلوه می‌دهد ولی مراد از این بعید شمردن، محال بودن است. هم‌چنان که در آخر آیه فرموده: «...وَاللَّهُ لَيَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ» (بلاغی، ۱۳۸۶، ق، ۶/۶).

۲-۳-۳. منشأ رنج‌های حاصل از احساسات نادرست

برخی از رنج‌های اکتسابی، از احساس و ملکاتِ رذیله برمی‌خیزد که به توضیح عوامل آن، پرداخته خواهد شد:

الف. حرص و بخل: از جمله ملکه و احساسات نادرستی که موجب پیدایش رنج می‌شود، حرص و بخل است. حرص در لغت به معنای طمع، زیاده‌جویی، آزمند شدن، آز و شره می‌باشد. (معین، ۲۳۰/۵) در اصطلاح، حرص صفتی است نفسانی که انسان را بر جمع نمودن بیش از احتیاج خود وامی‌دارد و یکی از شاخه‌های حبّ دنیا و از صفات نابودکننده و از اخلاق رذیله است (برزنونی، ۱۳۸۹، ۳۲۳) که باعث سلب آرامش فکر و آسایش خاطر می‌گردد زیرا حریشان با ثروت‌اندوزی همواره خویشان را در معرض سوءنظر دیگران احساس می‌کنند و در باطن از بغض و بدبینی مردم رنج می‌برند همچنین به خطرات گوناگون می‌اندیشند و از این که بر اثر پیشامدهای فردی یا اجتماعی، اوضاعشان دگرگون شده و هستی از کفشان برود، نگران‌اند (برزنونی، ۱۳۸۹، ۲۴). قرآن کریم حرص و بخل را عامل ناسازگاری و مانع اساس صلح درون‌خانوادگی معرفی نموده و رو آوردن به احسان و پارسایی را راه درمان این رذیله شناسانده است: «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنفُسُ الشُّحَّ وَإِن لِّاتُّحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا» (نساء، ۱۲۸) «صلح به‌رحال بهتر است و نفوس را بخل و حرص فراگرفته و اگر (درباره یکدیگر) نیکویی کرده و پرهیزکار باشید، خدا به هر چه کنید آگاه است». چراکه این ویژگی ناپسند، با آرامش

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۴۷

بخشی مطلوب و مورد انتظار از نظام خانواده، «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»، (روم، ۲۱) منافات دارد و به جای مودت و رحمت، رنجش و رنجاندن را دامن می‌زند. بر این اساس است که قرآن رهیدن از این رذیله اخلاقی را، فلاح و رستگاری شناسانده است: «وَمَنْ يُوَقَّ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (حشر، ۹، تغابن، ۱۶) حضرت علی (ع) نیز به صراحت می‌فرماید: «الْحِرْصُ صَمِيئَةُ التَّعَبِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۹۴؛ نوری، ۱۴۰۸، ق، ۶۱/۱۲): حرص، مرکب رنج و زحمت است. همچنین فرمودند: «الْحِرْصُ عَنَاءٌ مُؤَبَّدٌ» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۹۴)؛ حرص مایه رنج و زحمت ابدی است.

ب. حسادت: حسادت، یکی دیگر از احساسات و صفاتی است که موجب پیدایش رنج می‌شود. حسادت در لغت عبارت است از بدخواهی و بداندیشی (معین، ۲، ۳۰۱) و در اصطلاح، به معنای حالتی نفسانی است که آرزوی زوال نعمت فرد مورد حسادت می‌باشد. (سجادی، ۱۳۷۳، ۱۰۷۱) پیامد حسادت، ناراحتی و رنج همیشگی است؛ چون حسود، همواره در اندوه و اضطراب به سر می‌برد قرآن کریم در مورد آنان، می‌گوید: «إِنَّ تَمَّ لَأَسْسَكُمْ حَسَنَةً تَسُوهُمْ وَإِنْ تُصِيبَكُمْ لَأَسِيئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا...» (آل عمران، ۱۲۰)؛ «اگر به شما خیر و نیکی برسد آن‌ها را بدحال می‌کند و اگر بدی و ناخوشی‌ای برسد آن‌ها بدان شاد می‌شوند»، نیز: (توبه، ۵۰)؛ همچنین قرآن کریم حسادت کافران را، عامل تلاش نافرجام آنان در تبدیل ایمان مسلمانان به کفر دانسته (بقره، ۱۰۹) که رنج بسیاری برای آنان، پدید می‌آورد چنان‌که رویکرد انکاری آنان نسبت به انبیا و اولیای الهی را ناشی از حسادت آن‌ها نسبت به برخورداران از فضل الهی دانسته است: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، (نساء، ۵۴) که در صورت تداوم یافتن، به رنج عذاب جاودان، مبتلا می‌شوند. (نساء، ۵۵). رسول خدا (ص) نیز فرموده‌اند: «أَقْلُّ النَّاسِ لَذَّةَ الْحَسُودِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۳، ق، ص ۱۹۵؛ نوری، ۱۴۰۸، ق، ۱۹/۱۲؛ حیدری نراقی، ۱۳۸۷، صص ۱۷۰-۱۷۱): حسود، کم لذت‌ترین مردم است. بعلاوه، فرد حسود بدان جهت که همه کس را با نیش زهر آلود خود می‌گزد، لذا در نظر مردم منفور است و طبیعی است که هر کس مردم را دشمن بدارد مردم

او را دشمن می‌دارند. (حیدری نراقی، ۱۳۸۷، ۱۷۰-۱۷۱) حضرت علی (ع) می‌فرماید: «الْحَسُودُ دُلَاخِلَةٌ لَهُ (نوری، ۱۴۰۸، ق، ۲۱/۱۲): حسود، دوستی ندارد».

ج. بدگمانی یا سوءظن: منشأ دیگر برای رنج‌های اکتسابی حاصل از احساسات، سوءظن است. مراد از سوءظن، آن است که گمان بد را به دل راه دهی و نفس را به آن متمایل نمایی، مجرد گذشتن چیزی به خاطر، بلکه شک کردن، ظن نیست. از نشانه‌های سوءظن این است که به واسطه آن، تغییری در دل از الفت و محبت به کراهت و نفرت پیدا شود و یا رفتار شخص نسبت به گذشته متفاوت شود. (پرهیزکار، ۱۳۹۰، ۲۰۶) سوءظن، انسان را به انزوا کشانده و سدی بر سر راه شادمانی و عاملی برای رنج و ناراحتی فرد محسوب می‌گردد. (پرهیزکار، ۱۳۹۰، ۲۰۶) شخص بدبین، دیگران را خائن و در دوستی ناصاف و ناپایدار پنداشته و ناچار می‌شود که هرگونه ارتباط خود را با آن‌ها قطع نماید. (دستغیب شیرازی، ۱۳۸۷، ۵۹۸) او از ترس شر دیگران، همواره از مردم، فراری است. حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «مَنْ لَمْ يَحْسِنْ ظَنَّهُاسْتَوْحَشَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۲۵۴): هرکس که خوش‌بین نباشد، از همه مردم ترس و وحشت دارد». چنین شخصی با کسی انس نمی‌گیرد. به سرعت دوستان خود را ازدست‌داده و تنها می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ۳۳۷/۳) بعلاوه، سوءظن، موجب ناراحتی‌های روحی و روانی، همچون افسردگی، غم، اندوه، اضطراب و نگرانی می‌گردد. (پرهیزکار، ۱۳۹۰، ۲۰۹) که همواره او را رنج می‌دهد. (دستغیب شیرازی، ۱۳۸۷، ۵۹۸)

۳-۳-۳. رنج حاصل از اعمال و رفتار نادرست

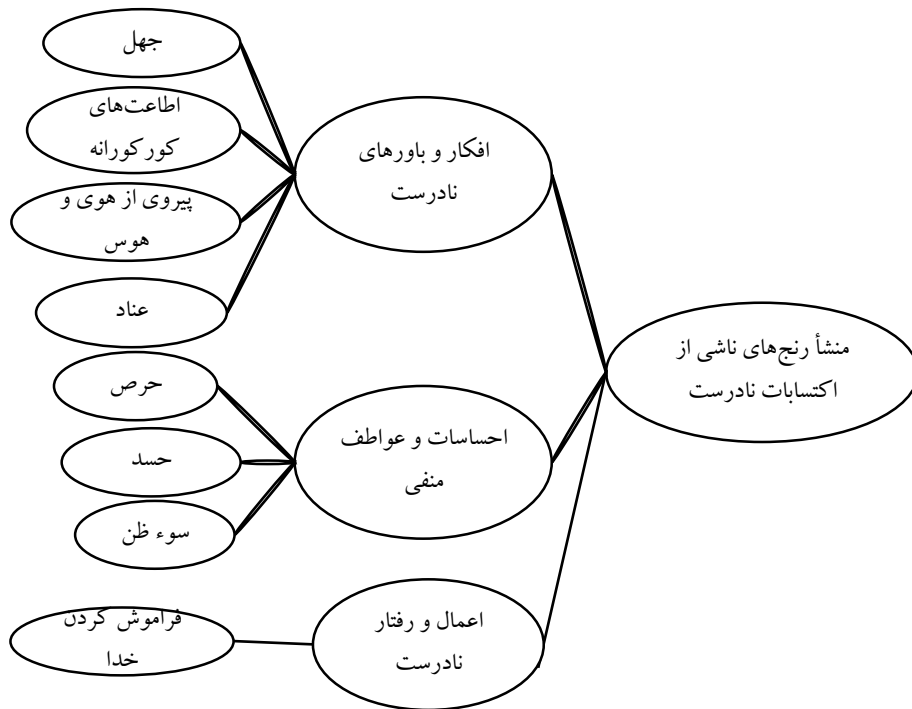
نوع سوم رنج، رنج‌های ناشی از اعمال و رفتار نادرست است که عامل اصلی آن، فراموش کردن خدا و روز حسابرسی است که در ذیل به بررسی آن پرداخته می‌شود.

فراموش کردن خدا و قیامت، عامل اصلی رنج: فراموش کردن خدا، موجب بروز اعمال نادرست و پدید آمدن رنج‌های ناشی از آن، می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «فَلَمَّا نَسُوا مَاذُكُرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۴۹

مُبْلِسُونَ»، (انعام، ۴۴)؛ «پس چون آنچه را که بدان یادآوری شده بودند فراموش نمودند درهای همه چیز را، بر روی آن‌ها گشودیم تا چون به آنچه داده شدند خوشحال گشتند و دل بستند به ناگاه به کیفرشان گرفتیم پس یک‌باره وامانده و نومید شدند.» برابر گفته مفسران: «مقصود آیه این است که «به دلیل از یاد بردن خدا، از هر نعمتی به آنان دادیم و تمتع از لذات مادی را برایشان تکمیل نمودیم و در نتیجه فرح و سرور که از آثار تکمیل نعمت است، در دلشان پدید آمد که ناگاه در حالی که دیگر عذری نداشتند به عذاب خود دچارشان نموده، هلاکشان کردیم.» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۱۳۰/۷)، فراموشی خداوند و قیامت، موجب گرفتار آمدن به عذاب ابدی اخروی می‌گردد: «وَدُوُّوْا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»، (سجده، ۱۴)؛ پس عذاب جاودانی را بچشید به کیفر آنچه انجام می‌دادید.»

قرآن کریم، یأس را رویکردی کفرآمیز، شناسانده است؛ «وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف، ۸۷) و همگان و به ویژه بزهکاران را - هر چند پرگناه و دارای گناهان بزرگ- به کنار نهادن نومیدی، فراخوانده است. (زمر، ۵۳). به گفته اندیشمندی همچون داستایفسکی، ناامیدی، خود یکی از گونه‌های مختلف رنج است. وی ضمن اشاره به رنج‌های مختلف، گونه‌های رنج وجودی، رنج پوچی، رنج ناشی از فقدان ایمان به خدا و رنج ناامیدی را می‌پذیرد؛ زیرا فقدان هدفی والا در زندگی، مشکلات را پررنگ‌تر می‌کند، به گفته وی، زمانی که خدا از رأس زندگی بشری کنار گذاشته می‌شود، نتیجه حتمی، پوچی و ناامیدی است. داستایفسکی با رد تمام اهداف پوچ آدمیانی که در مان‌هایش دیده می‌شوند، ایمان به خدا و ایمان به فناپذیری روح را، عامل اصلی برطرف ساختن آشفتگی‌ها، دل‌مردگی‌ها و افسردگی‌های ناشی از رنج موجود در زندگی، می‌داند. (محبوبی و زمانی، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱)



نتیجه‌گیری

۱. در برخی از تعالیم بودایی، تشنگی کام، وابستگی، نادانی، تولد، لذت خواهی، میل و هوس، آرزو، آز، کینه و فریب به‌عنوان «مهم‌ترین و اصلی‌ترین» منشأ رنج، نام برده شده‌اند ولی در اغلب متون، زنجیره علی و حلقه‌ای دوازده گانه شامل: ۱. نادانی، ۲. تمایلات پنهان، ۳. دانستگی ۴. نام و شکل ۵. شش‌حوزه (حواس) ۶. پساویدن (تماس) ۷. احساس امور ظاهری که در آدمی، حالات خاصی به وجود می‌آورد ۸. تشنگی ۹. دل‌بستگی ۱۰. وجود به معنای فعال بودن یا شدن ۱۱. زائیده شدن ۱۲. پیری و مرگ، اندوه و نومیدی، منشأ رنج، معرفی شده‌اند که از نوعی تداخل و همسویی برخوردار است و به نظر می‌رسد که تکیه بر یک یا چند عامل در موارد نخستین به عنوان مهمترین، برجسته‌سازی و توجه‌دهی به اهمیت آن است و عوامل تکی و حلقه‌ای، همسویی روشنی دارند.

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۵۱

۲. بر اساس استقرا و گفته مفسران و اندیشمندان، می‌توان رنج‌ها را از نظر منشأ، در آموزه‌های قرآن، به سه دسته گوناگون؛ ۱. رنج‌های ناشی از آفرینش و وجود، ۲. رنج‌های ناشی از ابتلائات و ۳. رنج‌های ناشی از اکتسابات نادرست، تقسیم‌بندی نمود که منشأ نوع نخست آن، نوع وجود امکانی و فقر وجودی و نیاز و وابستگی آن و منشأ گونه دوم آن؛ نوع نگرش نادرست افراد به امتحانات الهی یا بی‌اطلاعی از حکمت ابتلائات و دلبستگی به دنیا و منشأ نوع سوم آن؛ نظام غلط باورها؛ ملکات و احساسات و اعمال و رفتار نادرست، معرفی شده است.

۳. تحلیل انتقادی تعالیم بودا نشان می‌دهد که رابطه تسبیبی و علت و معلولی بین عوامل زنجیره‌ای را نمی‌توان در همه موارد پذیرفت؛ چنان‌که نمی‌توان آغازین بودن نادانی و ترتب و چینش علی این زنجیره را بدون تکلف و تأویل، صحیح دانست؛ چون عوامل پیش‌اززائیده شدن، متفرع بر وجود آدمی است نه سبب زایش انسان.

۴. مطالب تعلیمی بودا و آموزه‌های قرآن کریم، بر اساس مبانی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی کاملاً متفاوت؛ بلکه متضادی، بنیان یافته‌اند زیرا هر یک بر اساس نوع جهان‌بینی الهی یا انسان‌مدار خود، منشأ و عوامل منحصر به فرد خود را پیش رو نهاده‌اند؛ ولی صرف‌نظر از تفاوت‌های بنیادین مبانی تعالیم بودا و آموزه‌های قرآن مجید، نوعی همسویی و همگرایی در پاره‌ای از عوامل مهم یا حلقه‌ای پیدایش رنج در تعالیم بودا و منشأ رنج‌های برخاسته از ابتلا یا اکتسابات قرآن کریم، همچون جهل و نادانی، تمایلات آشکار و پنهان یا هوی و هوس‌ها و وابستگی و دلبستگی به دنیا و امیال و ناامیدی و نقش‌آفرینی افکار و اعمال و نوع مواجهه انسان با خود، جهان و سختی‌های جهان، در پیدایش رنج، (۴ مورد) تا حدودی همسویی دیده می‌شود؛ اما در بقیه موارد، (۸ مورد)، با حقایق قرآنی، اختلاف، تفاوت و در پاره‌ای موارد با آن‌ها، تضاد دارد. همانند خود زندگی و تولد که در قرآن، منشأ رنج شناخته نشده است؛ بلکه نوع وجود فقری و امکانی، مستلزم سختی‌هایی است ولی انسان را در چرخه رنج‌آفرین مرگ و حیات یا سمساره مورد اشاره بودا، گرفتار نمی‌سازد؛ همچنین برخورداری از احساس و شش حوزه

حسی همانند بینایی، شنوایی و شناسایی، بساویدن و رابطه، به ویژه در صورت رعایت حدود مطلوب، دانستگی که از منظر قرآن، نعمت‌هایی الهی هستند که نه تنها عامل رنج نیستند؛ بلکه رنج انسان را می‌کاهند. عامل پیری نیز گرچه در قرآن، فرسودگی و مرگ هر چند مصیبت، شناسانده شده ولی بدان رو که رهایی نفس و روح و انتقال به عوالم بالاتر و سبب بر خورداری از پاداش و رهایی از مشکلات دنیاست، رنج آفرین معرفی نشده است.

۵. چرخه رنج‌زای مرگ و زائیده شدن دوباره بر اساس تناسخ که در تعالیم بودا، مطرح شده رنج معادل و عین او دانسته شده، از دیدگاه قرآن، با واقعیت، سازگاری ندارد؛ زیرا بر اساس آموزه‌های قرآن، انسان با مرگ، تناسخ نمی‌یابد؛ بلکه به نشئه و جهان ناشناخته دیگری که برزخ نامیده می‌شود، انتقال می‌یابد.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Ali Mohammadi Ashnani



<http://orcid.org/0000-0002-0000-0000>

Zahra Seyyedi



<http://orcid.org/0000-0002-0572-1992>

منابع

- قرآن کریم، ترجمه علی مشکینی
نهج البلاغه؛ صبحی صالح، قم، هجرت، چاپ اول
انوری، حسن (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن (۸ ج)، تهران، سخن، چاپ اول
آزادیان، مصطفی. (۱۳۹۱). اخلاق بودایی: مبانی و ساحت‌ها، نشریه شرق، شماره ۶، نمایه، ۱۳۹۱/۱۱/۲۵.
- آشتیانی، جلال‌الدین (۱۳۷۹)، عرفان: بودیسم و جینیسم، بی‌جا، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
بنیاد ترویج آیین بودا (۱۳۶۳)، چنین گفت بودا، توکیو، بنیاد ترویج آیین بودا، چاپ اول فارسی
پاشایی، عسکری (۱۳۷۵)، بودا (آئین، زندگانی، انجمن)، تهران، فیروزه
پرهیزکار، هادیه (۱۳۹۰)، شادمانی از منظر قرآن و حدیث، قم، مؤسسه بوستان کتاب (مرکز
چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه)، چاپ اول
تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶)، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، به تحقیق مصطفی درایتی، قم،
دفتر تبلیغات، چاپ اول
توفیقی، حسین (۱۳۸۴)، آشنایی با ادیان بزرگ، تهران، سازمان سمت؛ چاپ هفتم
تهرانی، مجتبی، (۲۸ ج) (۱۳۹۱)، اخلاق الهی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی،
چاپ اول
تیواری، کدارنات (۱۳۷۸)، دین‌شناسی تطبیقی، ترجمه ابوطالب فنایی و محمدابراهیمیان، تهران،
محسن، چاپ اول
جبرائیل، آرش (بی‌تا)، آموزه‌های بودایی (pdf)، بی‌جا، انتشارات آی آر پی‌دی اف.
جعفری، ابوالقاسم. (بی‌تا). آیین بودا، نشریه شمیم یاس ۶۷، دوره ۸
جعفری، یعقوب (بی‌تا)، تفسیر کوثر (۶ ج)، بی‌جا
جلالی، تهمورس (۱۳۸۶)، فرهنگ جلالی، تهران، اختران، چاپ اول
جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵)، تفسیر موضوعی، قم، اسراء، چاپ ششم
حرعاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعه (۳۰ ج)، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، چاپ اول
حسینی دشتی، سیدمصطفی (۱۳۷۹)، معارف و معاریف: دائرةالمعارف جامع اسلامی، تهران،
مؤسسه فرهنگی آرایه.

دستغیب شیرازی، عبدالحسین (۱۳۸۷)، *قلب سلیم*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ هفدهم
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، *لغت نامه (۵۰ ج)*، تهران، دانشگاه تهران
راه حق: *دما پادا* (۱۳۸۰)، ترجمه رضا علوی، تهران نشر و پژوهش فروزان روز، چاپ اول
راه آئین (*دَمَه پده یا سخنان بودا*) (۱۳۵۷)، ترجمه عسکری پاشایی، تهران، فلسفه ایران
رضایی، عبدالعظیم (۱۳۸۶)، *تاریخ ادیان جهان*، تهران، علمی، چاپ سوم
رنجبر، امیرحسین (۱۳۸۱)، *بودا در جستجوی ریشه های آسمان*، تهران، فیروزه
شایگان، داریوش (۱۳۴۶)، *ادیان و مکتب های فلسفی هند*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران،
چاپ اول

صبا، محسن (۱۳۶۶)، *فرهنگ بیان اندیشه ها*، تهران، فرهنگ، چاپ اول
صدری افشار، غلامحسین و نسرین حکمی و نسترن حکمی (۱۳۸۱)، *فرهنگ معاصر فارسی*،
تهران، فرهنگ معاصر، چاپ سوم
طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴)، *تفسیرالمیزان (۲۰ ج)*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی
همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم
عماد، حجت (۱۳۷۷)، *سهراب سپهری و بودا*، تهران، فرهنگستان یادواره، چاپ اول
عمید، حسن (۱۳۷۴)، *فرهنگ عمید (۳ ج)*، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم
کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۳۷۵)، *اصول کافی (۶ ج)*، محمدباقر کمره ای، قم، اسوه،
چاپ سوم

لوکا، نیانه تی (۱۳۶۲)، *سخن بودا: طرح تعلیم بودا بنا بر کانون پالی*، ترجمه ع پاشایی، بی جا،
کتابخانه طهوری، چاپ دوم
مبلغی آبادانی، عبدالله (بی تا)، *تاریخ ادیان*، بی جا.
مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ق)، *بحار الأنوار (۱۱۱ ج)*، بیروت،
دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم
محبتی، مریم و علی زمانی، امیر عباس. (بی تا). مقاله رنج، ایمان و معنا از دیدگاه داستایفسکی،
فصلنامه فلسفه و کلام اسلامی (مقالات و بررسی ها) دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۲۵،
شماره ۱.

محدثی، محمد جواد. (۱۳۸۶). *بلاغ عاشورا*، زمزم هدایت، ایران.

تحلیل انتقادی منشأ پدید آمدن و گونه‌شناسی رنج در ...؛ محمدی آشنانی و سیدی عسگرآباد | ۵۵

مرکز بین‌المللی رن شوشو (۱۳۷۱)، *آیین بودا و سنت نیچی رن شوشو*، ترجمه فومیکو یاماناگا، بی‌جا، مترجم، چاپ اول

مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، *عدل الهی*، تهران، صدرا، چاپ شانزدهم

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه (۲۷ ج)*، تهران، دارالکتب‌الاسلامیه، چاپ اول

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷)، *اخلاق در قرآن (۲ ج)*، قم، مدرسه الإمام علی ابن ابیطالب (ع)، چاپ اول

ملکیان، مصطفی (۱۳۸۳). درد از کجا؟ رنج از کجا؟ *مجله هفت آسمان*، ش ۲۳. تهران ایران.

ملکیان، مصطفی، نشست درد و رنج از دیدگاه کیرکه‌گارد و

مولوی <http://tafakordarmasnavi.persianblog.ir/post/۳۳/>

ناس، جان‌بایر (۱۳۸۶)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی‌اصغر حکمت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفدهم

نجاتی، محمدعثمان (۱۳۸۱)، *قرآن‌نوروان‌شناسی*، ترجمه عباس‌عرب، مشهد، آستان‌قدس، چاپ پنجم

نفیسی، علی‌اکبر (۱۳۴۳)، *فرهنگ نفیس (۵ ج)*، بی‌جا، کتابفروشی خیام

نوری، یحیی (۱۳۴۶)، *اسلام و عقاید و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام*، تهران، فراهانی، چاپ سوم، خرداد

ولفانگ‌شومان، هانس (۱۳۷۵)، *آئین بودا: طرح تعلیمات و مکتب‌های بودایی*، ترجمه ع پاشایی، تهران، فیروزه، چاپ دوم

هوکینز، بردلی (۱۳۸۰)، *آیین بودا*، ترجمه محمدرضا بدیعی، تهران، امیرکبیر، چاپ اول

الیاده، میرچاه (۱۳۸۷)، *متون مقدس بنیادین از سراسر جهان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، فروزان، چاپ اول

Reference

Holy Quran, translated by Ali Meshkini

Abadani Preacher, Abdullah (n.d.), *History of Religions*, Bija. [in Persian]

Anuri, Hassan (۲۰۰۲), *Farhang Bozor Sokhn* (۸ volumes), Tehran, Sokhn, first edition. [in Persian]

Azadiyan, Mustafa. (۲۰۱۱). *Buddhist Ethics: Basics and Fields*, Sharq Magazine, No. ۶, Profile, ۲۵/۱۱/۲۰۱۳. [in Persian]

- Ashtiani, Jalaluddin (۲۰۰۰), *Mysticism: Buddhism and Jainism*, Bija, publishing company, first edition. [in Persian]
- Dastghib Shirazi, Abdul Hossein (۲۰۰۸), *Qalb Salim*, Tehran, Darul Kitab al-Islamiyeh, ۱۷th edition. [in Persian]
- Dekhoda, Ali Akbar (۱۹۹۸), *Dictionary* (۵۰ vols), Tehran, University of Tehran. [in Persian]
- Eliade, Mirchah (۲۰۰۸), *fundamental sacred texts from around the world*, translated by Mani Salehi Allameh, Tehran, Forozan, first edition. [in Persian]
- Emad, Hojjat (۱۹۹۸), *Sohrab Sepehri and Buddha*, Tehran, Yadavarah Academy, first edition. [in Persian]
- Foundation for the Promotion of Buddhism (۱۹۸۴), *So Said the Buddha, Tokyo*, Foundation for the Promotion of Buddhism, First Persian Edition. [in Persian]
- Gabriel, Arash (n.d.), *Buddhist Teachings* (pdf), Bija, IRPDF Publications.
- Hiraamili, Muhammad bin Hasan (۱۴۰۹ AH), *Wasal al-Shia* (۳۰ c.), Qom, Al-Al-Bayt Foundation (AS), first edition. [in Persian]
- Hosseinidashti, Seyyed Mostafa (۲۰۰۸), *Ma'arif and Ma'arif: Islamic Comprehensive Encyclopaedia*, Tehran, Arayeh Cultural Institute. [in Persian]
- Hawkins, Bradley (۲۰۰۱), *Buddhism*, translated by Mohammad Reza Badiei, Tehran, Amirkabir, first edition. [in Persian]
- Jafari, Abulqasem. (n.d.). *Buddhism, Shamim Yas publication*. ۶۷, period ۸. [in Persian]
- Jafari, Yaqub (Bita), *Tafsir Kotsar* (۶ vols.), Bija. [in Persian]
- Jalali, Tehmores (۲۰۰۷), *Farhang Jalali*, Tehran, Akhtran, first edition. [in Persian]
- Javadi Amoli, Abdullah (۲۰۰۶), *Tafsir al-Mathemi*, Qom, Esra, ۶th edition. [in Persian]
- Kilini, Mohammad bin Yaqub bin Ishaq (۱۹۹۶), *Usulkafi* (۶ vols.), Mohammad Bagherkamerei, Qom, Eswa, ۳rd edition. [in Persian]
- Loka, Nianehti (۱۹۸۳), *Buddha's speech: The plan of Buddha's teaching according to the Pali canon*, translated by A. Pashaei, Bija, Tahuri Library, ۲nd edition. [in Persian]
- Motahari, Morteza (۲۰۰۱), *Adl Elahi*, Tehran, Sadra, ۱۶th edition. [in Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser (۱۹۹۵), *Tafsir al-Nashon* (۲۷ vols.), Tehran, Darul-e-Kitab al-Islamiyya, Chapaval. [in Persian]
- Makarem Shirazi, Nasser (۱۹۹۸), *Ethics in the Qur'an* (۲ vols.), Qom, Madrasah of Imam Ali Ibn Abi Talib (AS), first edition. [in Persian]

- Malikian, Mustafa. (۲۰۰۴). *Where does the pain come from? Where does the suffering come from?* Haft Aseman Magazine, No. ۲۳, Tehran, Iran. [in Persian]
- Malekian, Mustafa, The Meeting of Pain and Suffering from Kierkegaard's and Molvi's Perspective [tp://tafakordarmasnavi.persianblog.ir/post/۳۳/](http://tafakordarmasnavi.persianblog.ir/post/۳۳/). [in Persian]
- Nas, Janbayer (۲۰۱۶), *The Comprehensive History of Religions*, translated by Ali Asghar Hekmat, Tehran, Scientific and Cultural Publications, ۱۷th edition. [in Persian]
- Nejati, Mohammad Osman (۲۰۰۲), *Quran and Psychology*, translated by Abbas Arab, Mashhad, Astan Quds, ۹th edition. [in Persian]
- Nafisi, Ali Akbar (۱۹۶۴), *Farhang Nafis* (۹ vols.), Bija, Khayyam bookstore. [in Persian]
- Nouri, Yahya (۱۹۶۷), *Islam and Human Opinions or Ignorance and Islam*, Tehran, Farahani, ۳rd edition, Khordad. [in Persian]
- Nahj al-Balagha; Sobhi Saleh, Qom, Hejrat, first edition. [in Persian]
- Omid, Hassan (۱۹۹۵), *Farhang Omid* (۳ vols), Tehran, Amirkabir, ۳rd edition. [in Persian]
- Pashaei, Askari (۱۹۹۶), *Buddha (ritual, life, society)*, Tehran, Firuzeh. [in Persian]
- Parhizkar, Hadiyeh (۲۰۱۳), *Happiness from the perspective of the Qur'an and Hadith*, Qom, Bostan Kitab Institute (Islamic Propaganda Office of the Seminary), first edition. [in Persian]
- Rahaien (Zhamma Pede or Buddha's Words) (۱۹۷۸), translated by Askari Pashaei, Tehran, Iranian Philosophy. [in Persian]
- Rezaei, Abdul Azim (۲۰۰۶), *History of World Religions*, Tehran, Ilmi, ۳rd edition. [in Persian]
- Ranjbar, Amir Hossein (۲۰۱۱), *Buddha in search of the roots of the sky*, Tehran, Firuzeh. [in Persian]
- Renshushu International Center (۱۹۹۲), *Buddhism and Nichirenshushu tradition*, translated by Fumiko Yamanaka, Bija, translator, first edition. [in Persian]
- Shaygan, Dariush (۱۹۶۷), *Religions and Philosophical Schools of India*, Tehran, Tehran University Press, first edition. [in Persian]
- Saba, Mohsen (۱۹۸۷), *Culture of Expression of Thoughts*, Tehran, Culture, first edition. [in Persian]
- Sadri Afshar, Gholamhossein and Nasrin Hekami and Nastern Hekmi (۲۰۰۲), *Persian Contemporary Culture*, Tehran, Contemporary Culture, ۳rd edition. [in Persian]
- Tamimi Amadi, Abdulvaheed (۱۹۸۷), *Gharal al-Hakm and Darr al-Kalam*, researched by Mustafa Daraiti, Qom, Daftar Tablighat, first edition. [in Persian]

- Tawfighi, Hossein (۲۰۰۴), *Getting to Know the Great Religions*, Tehran, Semat Organization; ۷th edition. [in Persian]
- Tehrani, Mojtabi, (۲۸ vol.) (۲۰۱۲), *Ekhlalah Elahi*, Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought, first edition. [in Persian]
- Tiwari, Kedarnat (۱۹۹۹), *Comparative Theology*, translated by Abutaleb Fanai and Mohammad Ibrahimian, Tehran, Mohsen, first edition. [in Persian]
- The Right Way: Dhammapada (۲۰۱۰), translated by Reza Alavi, Tehran, Forozaan Rooz Publishing and Research, first edition. [in Persian]
- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein. (۱۹۹۵), *Tafsir al-Mizan* (۲۰ vols), translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Qom, Jamia Madrasin Hozalemeh, ۵th edition. [in Persian]
- Wolfgangshuman, Hans (۱۹۹۶), *Buddhism: The Plan of Buddhist Teachings and Schools*, translated by A. Pashaei, Tehran, Firuzeh, ۲nd edition. [in Persian]

استناد به این مقاله: محمدی آشنانی، علی، سیدی عسگرآباد، زهراسادات. (۱۴۰۰). تحلیل انتقادی منشأ پدیدآمدن و گونه‌شناسی رنج در تعالیم بودا و بررسی تطبیقی آن با آموزه‌های قرآن کریم و روایات، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۲(۴۲)، ۲۵-۵۸.

DOI: ۱۰.۲۲۰۵۴/ajsm.۲۰۲۲.۶۶۱۰۴.۱۸۰۴



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial ۴.۰ International License.